

دریچه‌های دهه استعدادهای



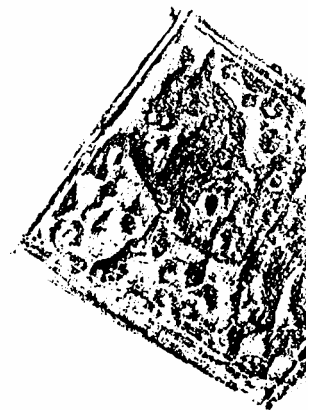
ای جمجمهٔ خموش و آرام
 آرام گرفته‌ای به کنجی
 از گشت زمان مگر چه دانی
 در امن ز محنت زمانی
 ای جمجمهٔ خموش و آرام

چون چهرهٔ خود نمی‌نمایی
 یک لحظه دهان گشاده برگوی
 کم گشته هویت ندانم
 خود گوی که شاه یا گدایی
 داری سخن و به حیرتم من
 از چه نبود ترا صدایی
 برگوی حدیث آشنایی

چون پای به این جهان نهادی
 از شوق به گریه اوفتادی
 چون بود حدیث زندگانی؟
 در غم بگذشت یا که شادی؟
 با دست تو، سخت و استخوانی
 آیا گره غمی گشادی؟
 پرسیده‌ام از تو نکته بسیار
 یک حرف جواب من ندادی
 من گفتم و تو خموش ماندی

زان دم که شدی خُمُش ز گفتار
 پس لب بگشود چرخ غدار
 با اهل جهان به رمز می‌گفت:
 «جاوید نماند کس در این دار
 امروز برفت این و اکنون
 وقت سفر شماس است این بار»
 خُفتی تو و دهر گوید امروز
 با خفتۀ همچو من ز اسرار

■ آقای روح‌الله ابطحی فروشانی
 دانشجوی پزشکی - اراک به نوشته
 خودشان «هنگام اولین برخورد با
 جمجمه‌ای که برای مطالعه درس
 آناتومی» در اختیارشان قرار گرفته
 بود شعر زیر را سروده‌اند:





صد حیف که نیست جان هشیار
 میبش مرا تو یار همدل در دوره این دروس مشکل
 هان «ابطحی»! این کتاب عبرت بگشوده شده ترا مقابل
 با دیده بازخوان سطورش هشدار که نیست نقش باطل
 برخوان تو حدیث مهر دنیا هم محنت این رباط کهگل!
 پس، مهرجهان برون کن از دل

«بسمه تعالی»

ای سیامک‌نژاد فرزانه کرده مهرت به قلب‌ها خانه
 ای به سعی تو کار داروساز شد بوجه حسن کنون آغاز
 حضرت صدر را سلام رسان باش از حال و کار او پرسان
 از منش گوی کای فهیم علیم ای توهم بخرد و اصیل و حکیم
 منتشر شد ز سعی تو رازی گشت راضی ز کار تو (رازی)
 بسکه این، نامه خوب و خواندنی است حاوی نکته‌های ماندنی است
 همه گویند صنف داروساز خواند با ساز دلکشت آواز
 هر که خواهد که نسخه‌ای پیچد سعی و دقت بیایدش بی‌حد
 هر که او بود مرد دانشمند گردد از سعی و کار آن خرسند
 دارم امید از خدای کریم هم ز پروردگار حی و قدیم
 به سلامت نگاهتان دارد رحمت خویش بر شما بارد
 تا همه روز و ماه و سال و قرون لطف حق باد بر شما افزون
 دارم امید از خدای ودود باد پایان کارتان محمود

«پرواز آفتاب»

رفت از جهان پیر زمان دنیا سیه شد ناگهان
 شد از زمین روح جهان در سوگ، قلب عاشقان
 رنجیده شد صاحب زمان گیتی همه آه و فغان
 زین آه و واویلا خدا
 چون نالم از دنیا خدا
 چون پیرمان، آمالمان آن کعبه دلهایمان
 آن یساور مستضعفان آن اسوه جنت مکان
 پیر خمین، جانان جان نزد خدا گشته روان
 زین آه و واویلا خدا

■ همکار ارجمند این صفحه آقای
 دکتر محمود پورحسینی این بار
 مسئولان ماهنامه را مورد تفقد و
 مرحمت قرار داده‌اند که ضمن
 تشکر از الطافشان به درج شعر
 ایشان می‌پردازیم:

■ آقای دکتر عباس حاج آخوندی -
 داروساز - که در حال حاضر
 مشغول گذراندن دوره PhD خود
 در دانشگاه اورسی فرانسه هستند.
 ضمن اظهار محبت به
 دست‌اندرکاران رازی دو قطعه شعر
 برای صفحه «دریچه ...» ارسال
 فرموده‌اند که ضمن سپاسگزاری از
 ایشان توجه شما را به بخشی از
 شعر اول نامبرده جلب می‌کنیم:

چون نالم از دنیا خدا

دیگر نروید از زمین نیلوفران و یاسمین
امت ز هجرش منقلب سرها خم و دلها غمین
خون می‌چکد از ابر غم پسر داغ، لاله‌ی آتشین
زین آه و واویلا خدا

چون نالم از دنیا خدا

«... شبی در بخش اخبار علمی - فرهنگی - هنری تلویزیون گوینده خبری علمی از جهان پزشکی را به آگاهی رسانید: موضوع از این قرار بود که در آمریکا خانمی بعد از وضع حمل دوقلوی غیرطبیعی به دنیا می‌آورد که از ناحیه شکم و سینه به هم متصل بودند. این نوزادان از بدو تولد تحت نظر و مراقبت قرار گرفته تا بعد از سپری شدن چندماه دوران پُر مخاطره توسط یک تیم پزشکی مجهز به تخصص‌های گوناگون و امکانات پیشرفته فنی و تکنیکی تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند. بهر تقدیر عمل جراحی سنگین و پرمخاطره با موفقیت به پایان رسیده و دوقلوهای بهم چسبیده جدا می‌شوند ... اگرچه عمل جراحی با مهارت و موفقیت خاتمه می‌یابد ولی در روزهای اول بعد از عمل پزشکان متوجه بیقراری شدید شیرخواران جدا شده می‌گردند و تشخیص داده می‌شود که بعد از چندماه بهم چسبیده بودن این حالت برای شیرخواران عادت شده و جدا کردن آنها از هم باعث آزدگی روحی و روانی آنها گردیده است!! برای درمان این بیقراری و بازگرداندن آرامش به دوقلوهای جدا شده در بغل هر کدام از آنها یک عروسک قرار می‌دهند تا از نظر روانی آسیب نبینند!!».

بد نیست در کشور ما نیز مسئولین محترم داروخانه‌ها و کلیه دست‌اندرکاران امور پزشکی و درمان نیز به مسائل روحی و روانی بیماران توجه داشته باشند! مثلاً در مواجهه با بیماران و مراجعین سرگردان و نسخه به دست هنگام ادای جمله «اصلاً نداریم» و یا «مشابهنش را داریم» لبخند (نیشخندی) بر گوشه لب داشته باشند تا بیماران سرگردان آنها از نظر روحی و روانی آسیب نبینند!! و این آمریکائیا هم فکر نکنند فقط آنها هستند که به مسائل روحی و روانی بیمارانشان توجه دارند. ما نیز مشابهنش را داریم!!

■ آقای دکتر مسعود اسرار دل -
طیب محترم که با ماهنامه مرتباً
مکاتبه داشته و از بذل لطف به
«رازی» دریغ نمی‌فرماید مطلبی را
یا به قول خودشان «واقعی به
صورت طنز» برایمان ارسال
فرموده‌اند:

